



اسرار و معارف حج



توحید، آغاز و انجام مناسک حج

متن بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی - دام ظلّه العالی - در آستانه حج امسال (۱۴۳۰ هـ. ق.)

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَيِّمَةِ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيْنَ. سَيِّمًا خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمَا أَلْفُ التَّحِيَّةِ وَالنُّنْهَاءِ، بِهِمْ نَتَوَلَّى وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ نَتَبَرَّأُ.

فرصت مناسبی است، ایام ذی حجّه و أشهر حج که مناسک حج به بارگاه الهی تقدیم می شود و زائران حرمین از مشرق و مغرب جهان، کنار کعبه که قبله مسلمانها و مَطاف آنهاست، دور هم جمع می شوند تا توحید و معارف الهی را از نزدیک تجربه کنند و مناسک و مراسم دینی را از نزدیک امتثال کنند.

تلبیه، توحید مکرر است

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم، مخصوصاً مبلغان اسلامی، ائمه محترم جمعه و جماعات حرمین و مبلغان دینی، آن است که توحید اصل است و همه امور دینی به این توحید بر می گردد. چون توحید اصل است، در آغاز احرام که «تلبیه» است، کلمه توحید مکرر آمده: «لَيْتَيْكَ، اللَّهُمَّ لَيْتَيْكَ، لَيْتَيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتَيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ (وَالْمُلْكَ لَكَ) لَيْتَيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ».^۱ این تلبیه که توحید مکرر است، از جان و زبان همه مسلمانها برمی خیزد و دستور اسلامی هم این است که در هر فراز و فرودی تا رسیدن به حرم، تلبیه تکرار شود و این همانند تکرار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است که رسول گرامی - علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء - طبق نقل مرحوم صدوق در توحید فرمود: نه من، نه هیچ پیامبری قبل از من، کلمه ای همتای «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نیاوردیم؛^۲ زیرا خدای سبحان همتا ندارد: «لَا شَرِيكَ لَكَ».^۳ توحید هم بی همتاست؛ لا شریک للتوحید کما لا شریک للواحد؛ این آغاز و انجام مناسک همه مسلمین است.

در نظام هستی، هر موجودی دارای اثری است

ذات اقدس الهی، نظام هستی را آفرید و می پروراند؛ یعنی هم خالق کل است، هم رب کل و هر موجودی را اثری بخشید که مردم نیازشان را در اثر آن موجودی اثر برطرف کنند؛ اگر تشنه اند، به آب رو بیاورند و اگر گرسنه اند به نان توجه کنند و اگر نیازمند آشیانه و مسکن اند، به بیت و دار و خانه مراجعه کنند و اگر نیازمند به علم اند به معلم و استاد مراجعه کنند و مانند آن؛ این آثار را ذات اقدس الهی به افراد یا اشیاء عطا کرده است.

جز خدا، همه فقر محض اند

اشیاء، یعنی ما سوای خدا و همچنین اشخاص، در اصل هستی و در بقا و اوصاف و کمالات هستی، فقر محض اند [و] فقیر الی الله اند: «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَيَّ»^۴ این نکته را که از پیروی اهل بیت آموخته ایم، بیش از گذشته توجه کنیم که انسان فقیر است [اما] نه یعنی ذاتی دارد که دارای صفت فقر است، بلکه او فقر مُمَثَل است. همان طور که صفت غنا ذاتی خداست نه اینکه ذات خدا جدای از وصف غنا باشد، فقیر بودن انسان هم ذاتی اوست

از موجودات سپهری گرفته تا موجودات زمینی، همه فقیرند [و] در عطا و دِهش از یک سو [و] در اِمساک و بستن از سوی دیگر، مأموران الهی‌اند. ما اگر به آفتاب و قمر مراجعه می‌کنیم، از آن‌ها نور می‌گیریم، آن‌ها را وسیله قرار می‌دهیم، هرگز به این معنا نیست که برای آن‌ها سِمتی جز بردگی و بندگی در پیشگاه ذات اقدس الهی قائل هستیم، در جریان توَسُّل به اولیای الهی همین بس که اهل بیت عصمت و طهارت به مراتب از شمس و قمر بالاترند.

نه اینکه انسان ذاتی دارد و در کنار ذات، دارای فقر است که بشود «ذاتٌ تُبَّتْ له الفقر!»؛ همان‌طور که خداوند «ذاتٌ تُبَّتْ له الغنی» نیست بلکه آنجا مشتق و مبدأ یکی است غنا و غنی یکی است، در انسان هم به شرح ایضاً [یعنی] مشتق و مبدأ یکی است. فقر و فقیر یکی است. اگر انسان ذاتی داشت جدا از فقر، و فقر برای ذات وصفی بود؛ نظیر زوجیتِ اربعه، لازم آن این بود که انسان در حریم ذات محتاج نباشد، در حالی که انسان عین حاجت و نیاز است و در حریم ذات به خدای سبحان وابسته است؛ یعنی ذاتی جز ربط و فقر ندارد که وصف او عین ذات اوست. صفت اگر عین ذات باشد، این کمال نیست، تا صفت چه باشد و موصوف که باشد! اگر صفت، صفت کمال باشد، این عینیت باعث کمال است؛ مثل این که خداوند عین علم است، عین قدرت است، عین غناست و اگر صفت، صفتِ نقص باشد، این اتِّحاد، مکملِ نقص است، مؤیدِ نقص است، باعث تحقِّقِ عمیقِ نقص در درون مایه ذات اوست؛ مثل این که می‌گوییم: «الإنسان فقیر!». پس فقر عین ذات انسان است و «ذاتٌ تُبَّتْ له الفقر» نیست و این فقر تنها مربوط به انسان نیست، جهان فقیرِ خداست.

فقیر به معنای ندار نیست، آن کس که مال ندارد، به او می‌گویند «فاقد» نه فقیر و اگر به کسی گفتند فقیر، به این معناست که ستون فقرات او شکسته است [و] قدرت قیام ندارد و چون مال و اقتصاد، مایه قوام و ایستادگی یک ملت است، اگر فرد یا ملتی مال نداشت [و] از اقتصاد سالم برخوردار نبود، قدرت ایستادگی ندارد، گویا ستون فقرات این امت شکسته است، از این جهت به این فرد یا آن امت می‌گویند «فقیر». هیچ کسی غیر از خدا قدرت قیام ندارد. تنها او حی قیوم است و تنها قائم به قسط اوست،^۵ بلکه تنها قائم اوست و دیگران

افتاده‌اند و اگر کسی می‌نشیند یا برمی‌خیزد، نه تنها قدرت قیام ندارد، قدرت نشستن هم ندارد، قدرت استلقاء و اضطجاع هم ندارد. این که در نماز، هنگام برخاستن از سجده به قیام می‌گوییم: «بِحَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ» یعنی با قدرت خدا برمی‌خیزم و با حول و قوّه الهی می‌نشینم، یعنی نشستن هم به قوّت اوست چه این که اضطجاع و به پهلو آرمیدن و استلقاء هم به قدرت اوست. اگر حول الهی و قوّه الهی نباشد، انسان نه تنها قدرت قیام ندارد، قدرت قعود هم ندارد، قدرت اضطجاع^۶ هم ندارد، قدرت استلقاء^۷ هم ندارد، قدرت انبطاح^۸ هم ندارد؛ هیچ حالی مقدور او نیست مگر به قوّه الهی و حول الهی و این استغراق در توحید است و نماز ما که ستون دین ماست،^۹ جای آموزش این معارف بلند است. تا کنون ثابت شد که اشیای عالم و اشخاص عالم با این که آثار فراوانی را از خدا دریافت کرده‌اند، هیچ کدام غنی نیستند و هیچ کدام بی‌نیاز از خدا نیستند.

توسّل به اهل بیت عصمت و طهارت در حدّ توسّل به شمس و قمر است

مطلب بعدی آن است که ما برای رفع نیازهای فراوانمان، به آفتاب و ماه و سایر ستاره‌ها مراجعه می‌کنیم، نور می‌گیریم، حرارت می‌گیریم، درمان می‌گیریم، گیاهانمان را با آن پرورش می‌دهیم، نباتات و معادن را با آن پرورش می‌دهیم، محیط زیست را با آن سالم نگه می‌داریم و صدها بلکه هزارها برکات فراوان که بشر از شمس و قمر می‌گیرد و این مراجعه به ماه و آفتاب به این معنا نیست که - معاذ الله - ما آفتاب پرستیم یا ماه پرستیم. ما می‌گوییم خدای سبحان روزی آفتاب را آفرید، روزی هم بر اساس «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ»^{۱۰} آن را از پا در می‌آورد، ماه را آفرید، ستاره‌ها را آفرید، آب را هم این چنین خلق کرد؛ آب هر اثری که دارد به اذن خداست. گاهی این اثر را به او می‌دهد گاهی از آن می‌گیرد؛ آتش هر اثری که دارد از خداست، گاهی به آن می‌دهد گاهی از آن می‌گیرد.

از موجودات سپهری گرفته تا موجودات زمینی، همه فقیرند [و] در عطا و دهش از یک سو [و] در امساک و بستن از سوی دیگر، مأموران الهی‌اند. ما اگر به آفتاب و قمر مراجعه می‌کنیم، از آن‌ها نور می‌گیریم، آن‌ها را وسیله قرار می‌دهیم، هرگز به این معنا نیست که برای آن‌ها سمتی جز بردگی و بندگی در پیشگاه ذات اقدس الهی قائل هستیم، در جریان توسّل به اولیای الهی همین بس که اهل بیت عصمت و طهارت به مراتب از شمس و قمر بالاترند.

در جریان آتش فرمود: ﴿يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِِبْرَاهِيمَ﴾^{۱۱} این سوخت و سوز را از شعله آتش گرفت.

درباره آب که جریان، خاصیت اصلی آن است، به آب دریا فرمود: با عصای موسی بایست: ﴿فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَمَسًا﴾^{۱۲} این مضمون در قرآن کریم آمده است که عصا را به دریا بزنی، آب‌های رفته، همچنان می‌رود و آب‌های نیامده همچنان می‌ماند. یک سدّ آبی درست می‌کند و شما در وسط دریا از مَعْبَر خشک می‌گذرید! این رفتن را از آب می‌گیرد آن سوختن و سوزاندن را از آتش می‌گیرد.

زمین بستر آرامش و سکونت برای همه ماست، گاهی به زمین می‌گویند: دهن باز کن و قارون را بلع کن: ﴿فَحَسَفْنَا بِهٖ وَبَدَارَهٗ الْاَرْضُ﴾^{۱۳} صخره صماء^{۱۴} را می‌گویند دهن باز کن، چشم باز کن [تا] از دهان و چشمت آب بجوشد؛ به موسای کلیم فرمود: ﴿اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ﴾^{۱۵} که اگر این عصا را به سنگ بزنی این صخره صماء چشم و دهن باز می‌کند [و] چشمه‌های جوشان عطا می‌کند.

بنابراین، از موجودات سپهری گرفته تا موجودات زمینی، همه فقیرند [و] در عطا و دهش از یک سو [و] در امساک و بستن از سوی دیگر، مأموران الهی‌اند. ما اگر به آفتاب و قمر مراجعه می‌کنیم، از آنها نور می‌گیریم، آنها را وسیله قرار می‌دهیم، هرگز به این معنا نیست



که برای آن‌ها سِمَتی جز بردگی و بندگی در پیشگاه ذات اقدس الهی قائل هستیم، در جریان توَسُّل به اولیای الهی همین بس که اهل بیت عصمت و طهارت به مراتب از شمس و قمر بالاترند؛ انسانِ کامل کجا ماه کجا؟! انسانِ کامل کجا آفتاب کجا؟! آن شمس حقیقی آن قمر حقیقی، مخلوق الهی است، نورهای فراوانی دارند، حرارت‌های فراوانی دارند، تأثیرات فراوانی دارند. اگر پیروان اهل بیت عصمت و طهارت به دودۀ^{۱۶} طاها و یس مراجعه می‌کنند، قبور آن‌ها را احترام می‌گذارند، به آن‌ها متوسَّل می‌شوند، در حدِّ توَسُّل به شمس و قمر است که بهره‌هایی را خدا به این‌ها داد و دیگران را دستور داد از شمس و قمر کمک بگیرند و گرنه استقلال از آنِ خداست و لاغیر.

همین ائمهٔ معصوم - علیهم الصلاة والسلام - دستور توحید دادند، دستور تلبیه دادند، دستور دادند این لَبِیک را مکرّر بگویند، دستور دادند در هر آنی، در آغاز و انجام کارتان، صدر و ساقۀ برنامه‌تان توحید باشد و لاغیر. اگر این چنین است سایر دوستان و زائران حرمین شریفین کاری نکنند که اهل بیت عصمت و طهارت متأذی شوند، متأثر شوند، رنجیده شوند. این یک نکته که همهٔ ما باید رعایت کنیم.

آغاز کعبه با «خلیل» است و کمالش با «حیب»

نکته‌ای که ائمهٔ محترم جمعه و جماعات حرمین باید عنایت کنند این است که ذات اقدس الهی، کعبه را با «خلیل» شروع کرد و با «حیب» ختم کرد و ادامهٔ آن را با مودّت انجام داده است؛ فرمود: ﴿وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾^{۱۷} خداوند ابراهیم را خلیل خود قرار داد [و] ابراهیم - سلام الله علیه - مأمور شد کعبه‌ای بنا کند که مَطَاف و قِبْلَهٔ مسلمین باشد و این با خُلَّت و دوستی شروع شده است.

[نکته دیگر آن که] سلسلهٔ نبوت به وجود مبارک حیب خدا، رسول گرامی ختم شده است که این کعبه که مَطَاف و قِبْلَهٔ مسلمین است، به دست حیب خدا تکمیل شده است.

[نکتهٔ سوم آن است که] حیب خدا، ما را هم محبوب خدا کرد و در مدار محبت، ما را پروراند؛ زیرا خداوند در این آیه کریمه فرمود: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾^{۱۸} شما پیرو حیب خدا باشید تا از مُحب بودن به محبوب بودن بار یابید و اجر رسالت را هم مودّت اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم الصلاة والسلام - قرار داد و فرمود:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ و این موَدّتِ دوده طاهّا و یس - سلام الله علیهم اجمعین - را بهترین حَسَنه دانست؛ زیرا در کنار این جمله که فرمود: ﴿لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ فرمود: ﴿وَمَنْ يَتَرَفَّ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا﴾؛^{۱۹} مصداق والا و کامل حَسَنه، ولایت اهل بیت عصمت و طهارت است.

بنابراین، عناصر محوری کعبه که مَطَاف و قبله مسلمان است، از خُلّت شروع شده، به محبّت رسیده [و] تا موَدّت ادامه پیدا کرده است؛ در فرازهایی که جای خُلّت است، جای محبّت است، جای موَدّت است مجالی برای کینه و عداوت و دشمنی نیست؛ مسلمانها یدِ واحدند بر غیر مسلمانها.^{۲۰}

مبادا کسی بگوید «برائت از مشرکین» جزء مناسک حج نیست!

خطبای محترم حرمین عنایت کنند و در خطبه‌ها مواظب باشند که این حَسَنه الهی و برکت الهی که از امام راحل - رضوان الله تعالی علیه - به یادگار مانده است را کم نگیرند، با این به مبارزه برنخیزند و این را محکوم نکنند؛ زیرا برائت از مشرکان به این معناست که مسلمان‌های عالم اگر قدرتی داشتند، از حریم خود، در همان حوزه اسلامی دفاع می‌کنند [و] نیازی نیست که در جایی دیگر تبرّی خود را اعلام کنند، چون در همان کشور خود کافر را سر جای خود می‌نشانند؛ اما وقتی که شما، مخصوصاً خطبای محترم حرمین شریفین، ملاحظه می‌فرمایید، خاورمیانه تقریباً در آتش می‌سوزد و آتش‌بیار معرکه هم غیر مسلمان‌ها هستند؛ گاهی فلسطین و غزه و لبنان و سوریه می‌سوزد، گاهی افغانستان و پاکستان شعله‌ور می‌شود، گاهی عراق هر روز مشتعل می‌شود، زمانی هم یمن و مانند آن و سالیان متمادی هم ایران اسلامی که مهد ولایت اهل بیت عصمت و طهارت است [و] مهد پیروی قرآن و عترت - علیهم الصلاة و علیهم السلام - است در آتش می‌سوخ. این خاورمیانه با این وسعت آتش سوزی آیا به دست مسلمان‌ها این کار انجام می‌گیرد یا به دست غیر مسلمان‌ها؟! و اگر احیاناً به دست مسلمان‌ها انجام می‌گیرد، پشت پرده، دست ناپاک مشرکین است و اگر ملت ستمدیده افغانستان و پاکستان از یک سو، غزه و فلسطین و سوریه و لبنان از سوی دیگر [و] ایران و عراق از سوی دیگر بخواهند از مشرکین تبرّی کنند، غیر از مراسم حج، غیر از مناسک حج، غیر از مواقف حج، غیر از وقوف در عرفات، غیر از یوم الحجّ الأكبر،

غیر از جایی که سوره «برائت» درباره آن‌ها نازل شده است و آنجا خوانده شده است، جای دیگری هست؟!

مبادا کسی بگوید که برائت از مشرکین جزو مناسک حج نیست! این مسلمان‌های داغ‌دیده کجا فریاد برآوردند؟! این خانواده‌های مظلوم این جانبازان این خانواده‌های شهیدا این اسیرداده‌ها کجا فریاد برآوردند که «إِنَّا بُرَأُوا مِنْكُمْ»؟! مگر حج، حج ابراهیمی نیست؟ مگر این کعبه با معماری و مهندسی ابراهیم خلیل ساخته نشد؟ مگر مؤمنان با هم اهل خُلت و محبت و مودت نیستند؟ مگر این‌ها نباید وجود مبارک خلیل خدا را اُسوه قرار بدهند؟ مگر

این مسلمان‌های داغ‌دیده کجا فریاد برآوردند؟!

این خانواده‌های مظلوم،

این ... کجا فریاد برآوردند که: «إِنَّا بُرَأُوا مِنْكُمْ»؟!

خلیل خدا نفرمود «إِنَّا بُرَأُءُ مِنْكُمْ»؛^{۲۱} ما، من، همه از شما مشرکان بریء هستیم و بیزاریم؟ مگر ما نباید تبری کنیم؟! بهترین راه تبری همان است که در یوم الحج الأكبر و مانند آن، انسان از مشرکان اظهار تبری کند. مستحضرید که سیاست ما عین دیانت ماست یک چیز بیگانه از دین نیست، از خارج از اسلام نیامده [بلکه] از متن قرآن برخاسته است و در یوم حج اکبر این وظیفه همه است که از مشرکان تبری بجویند؛ اگر دست ما نرسید که مسلمان‌ها را یاری کنیم لااقل با این فریاد به کمک روانی آن‌ها بشتابیم و برخی از مشکلات آن‌ها را حل کنیم و گر نه همین مشرکین، روزی حرمین را مورد تهاجم قرار می‌دهند؛ این‌ها جهنمی هستند که «لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ»^{۲۲}

این مسلمان‌های داغ‌دیده کجا فریاد برآوردند؟! این خانواده‌های مظلوم

این ... کجا فریاد برآوردند که: «إِنَّا بُرَأُوا مِنْكُمْ»؟!

بنابراین، هم معنای توحید را بزرگان و مؤمنان و مسلمان‌های حجاز باید توجه کنند که پیروان اهل بیت از مستغرقین در توحیدند و از کاملان در توحیدند و منزّه از هرگونه شرک و مبرای از هر تهمت‌اند و هم جریان برائت را تقدیس کنند، برای این که اگر کسی صدای «یا

لِّلْمُسْلِمِينَ» مسلمان‌ها را بشنود و آن‌ها را یاری نکند، حتماً گرفتار سَخَطِ الهی خواهد شد.
 من مجدداً به همه زائران، حاجیان، معتمران و معتکفان و داعیان حرمین شریفین عرض
 می‌کنم «أوصيكم و نفسي بتقوى الله» و این که این حرم امن را که مطاف و قبله ماست
 تقدیس کنید و قرآن را با همه شؤن بپذیرید و تفسیر کنید و عمل کنید و منتشر کنید!
 «غفر الله لنا و لكم و جعلنا و إياكم من المستغفرين و من المرحومين و من الذين يقول الله
 سبحانه و تعالى فيهم: (أولئك أصحاب الجنة) أجمعين».

«و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته»



بی نوشت‌ها:

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱۲ . طه : ۷۷ | ۱ . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷۶ و ۳۷۷ |
| ۱۳ . قصص : ۸۱ | ۲ . التوحید (شیخ صدوق)، ص ۱۸ |
| ۱۴ . سنگ سخت. | ۳ . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷۶ |
| ۱۵ . بقره : ۶۰ | ۴ . فاطر : ۱۵ |
| ۱۶ . فرزندان، فرزند زادگان، اهل بیت و دودمان. | ۵ . آل عمران : ۱۸ |
| ۱۷ . نساء : ۱۲۵ | ۶ . به پهلو خفتن. |
| ۱۸ . آل عمران : ۳۱ | ۷ . به پشت خوابیدن. |
| ۱۹ . شوری : ۲۳ | ۸ . به رو خوابیدن. |
| ۲۰ . بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۱۰۴ | ۹ . وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۷ |
| ۲۱ . ممتحنه : ۴ | ۱۰ . تکویر : ۱ |
| ۲۲ . مدثر : ۲۸ | ۱۱ . انبیاء : ۶۹ |